

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۱ دسمبر ۲۰۱۶

تعویض قلاده ها از طرف طالب و شورای نظار

قبل از همه توجه تان را به نکات آتی جلب می نمایم:

- ۱- از آن جایی که تصمیم داشته و دارم تا بعد از روشن شدن مواضع حکومت آینده امریکا زیر نظر "ترمپ"، به صورت مفصل راجع به تحولات و جبهه بندی های احتمالی منطقه، نظراتم را خدمت شما خوانندگان عزیز تقدیم دارم، لذا در اینجا تلاش خواهم ورزید تا به صورت بسیار مختصر و فشرده تغییرات و تحولاتی را که در شریک گیری های منطقه ئی به وجود آمده تذکار دهم، امید خوانندگان عزیز پورتال با مختصر نویسی ام ناراحت نگردند.
- ۲- راجع به موضوعی که می خواهم بدان مختصراً اشاراتی نمایم، خوشبختانه دو تن از همکاران و نویسندگان آگاه و خبره پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" آقایان "داکتر صاحب عزیز" و "سدید صاحب"، با قلم توانا و ژرفنگری خاص خودشان از دو جهت جداگانه تماس گرفته اند. به همان اساس در اینجا کوشش به عمل خواهد آمد تا به جای تکرار نوشته های آنها، به امید این که شما خوانندگان عزیز، این مختصر را ادامه آن دو تحلیل گرانسنگ دانسته و باز هم به آنها مراجعه نمائید، جهت دیگری از اتحاد ها و اختلافاتی را که جدیداً عرض اندام نموده اند، به بحث بگیرم.
- ۳- به مانند همیشه از شما خوانندگان عزیز، توقع دارم تا کمبود ها و نقایص احتمالی نوشته ام را که برخاسته از طرز دید و نگرش خودم به قضایا است، تذکار داده، من را در تکمیل و تصحیح برداشتهایم یار و مددگار باشید.

در نوشته های قبلی، به خصوص وقتی در پاسخ به سؤال دوستی که راجع "جنگهای نیابتی" پرسیده بود، تذکار داده ام که در کل یکی از ویژگی های "جنگهای نیابتی" آن است، که عوامل و نیروهای درگیر جنگ، یعنی آنهایی که بیشتر بار عملی جنگ را به دوش کشیده، می کشند و کشته می شوند، کسانی اند که از خود کمترین اراده ای نداشته، در همه حالت در ادامه و قطع جنگ تابع اراده ارباب می باشند.

از جانب دیگر این را نیز توضیح داده ام، که چنین نیروهائی در نهایت امر، جنگجویان مزدوری اند، که نیرو و توان نظامی و جنگی شان را در بازار قدرت های امپریالیستی به حراج گذاشته، به گفته معروف همه و بدون استثناء "نوکر خان اند نه بادنجان". به همین اساس هم بوده که در جریان جنگ، چنین نیرو هائی از امروز تا فردا جبهه عوض نموده، از متحد و دوست یک روز بریده با پیوستن به دشمن، در عمل دشمن دوست قبلی برای روز دیگرش می گردند.

آنهایی که به جزئیات جنگ‌های که علیه روسها صورت می‌گرفت، آشنا هستند، به نیکوئی می‌دانند که من چه می‌گویم، زیرا آنها به تجربه مستقیم خود بارها شاهد چنین تغییراتی بوده‌اند. شاید بتوان بارزترین نمونه چنین جبهه عوض کردنها را در دو حرکت دوستم، یک بار پشت کردن به جلال خاد "داکتر نجیب" و پیوستن به "بزم مقدس" و بار دیگر بریدن از "بزم مقدس" و پیوستن با یکی از قاتلان مردم کابل یعنی "گلبدین"، مشخص نمود هر چند نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد.

تا جایی که وقایع منطقه نشان می‌دهد، به دنبال به اصطلاح شکست سیاست تصرف کامل خاور میانه و کشور های به اصطلاح اسلامی از جانب امریکا زیر نام "بهار عرب" و نا توانی امپریالیزم جنایتگستر امریکا، در تحمیل و تعمیم اراده اش بین کشور های متحدش در منطقه، کشمکش و جنگ نیابتی سختی بین دو کشور بزرگ و متمول منطقه در گرفت. یک طرف عربستان سعودی در همکاری آشکار با دشمن جهان اسلام یعنی دولت اشغالگر اسرائیل که از ۷ دهه بدین سو به گفته زنده یاد "مجید کلکانی" با به خاک و خون کشیدن "جگر گوشه جهان اسلام" از هیچ سببیت و قسواتی علیه خلق فلسطین دریغ نورزیده و همچنان چند شیخ نشین خلیج فارس از قماش قطر، امارات و بحرین در زیر چتر حمایت مستقیم ناتو و در رأس امپریالیزم جنایتگستر امریکا قرار دارد که در تمام این مدت توانسته‌اند از فرصت طلبی ها، و سود جوئی های اخوانیت حاکم در ترکیه نیز بهره مند گردند و طرف دیگر رژیم آخوندی ایران در اتحاد نزدیک با نیروهای حزب الله لبنان، دولت سوریه، دولت عراق و بهره جوئی های کم و زیادی از شیعه های افغانستان و پاکستان و حتا هندوستان، در زیر چتر حمایت قدرت های امپریالیستی احیاء شده روسیه و چین قرار دارد.

در این میان، دولت پاکستان و مصر هریک بنا به دلایل خاص خودشان، آگاهانه از موضعگیری مستقیم "له و یا علیه" این و یا آن ائتلاف خود داری نمودند. خود داری هائی که هریک از آنها چه به صورت مستقیم از جانب امریکا و چه هم غیر مستقیم از جانب متحدین منطقه نی و ی یعنی عربستان سعود و شرکایش، مجازات هائی را نیز متقبل شدند. در افغانستان کشوری که بنا بر ساختار ملیتی و قومی اش می‌بایست بیشتر از سایر کشور ها و به صورت قطع در چنین منازعاتی که بالقوه می‌تواند باعث ایجاد درگیری های قومی، ملیتی و مذهبی در افغانستان گردد، محتاط می‌بود؛ در آغاز تقابل مستقیم دو طرف که در تجاوز خونبار عربستان سعودی بر یمن خود را نشان داد، "اشرف غنی" این دلقک هرزه و نادان بدون آن که مراعات نزاکت های نفوسی کشور خود را احساس نموده بتواند به دستور ارباب تجاوزگرش یعنی امپریالیزم جنایتگستر امریکا، شروع کرد به عرعر حمایت از مواضع عربستان، کاری که با نعره مهیب "خلیلی" مواجه شده، به ناگزیر سکوت اختیار نمود.

آنچه به ارتباط افغانستان در چنین فضائی، از اهمیت خاصی برخوردار است، سابقه موضعگیری ها و ائتلافها به نفع این و یا آن قدرت منطقه نی و جهانی در ۴ دهه اخیر است. یعنی خلاف سایر کشور ها که کشورهای ذی دخل جهت روشن نمودن یک جنگ مذهبی، قومی و نژدای نیاز دارند تا نخست هیزم کشی نمایند، در افغانستان بر مبنای فضای جنگی موجود و تعهدات قبلی می‌توانند بدون انتظار با زدن یک جرقه، چنان حریق مدهشی را بر افروزند، که در شعله های سرکش آن باز هم به ده ها هزار افغان دردمند، به خاک و خون کشیده شوند.

در اینجا به منظور روشنتر شدن موضوع، مثال ما را از استقرار حاکمیت طالب در افغانستان آغاز می‌نمائیم:

می‌دانیم که به محض به قدرت رسیدن طالب در شهر کابل و تصرف شهرهای دیگر کشور، با فراری ساختن حاکمیت ربانی - مسعود، ترکیب نیرو ها به حساب قومی، مذهبی و زبانی در داخل کشور و در پیوند با کشور های منطقه و جهان، چنین شکل گرفت: یک طرف طالب عمدتاً پشتون با بهره بردن از خدمات ارزان چند تن هزاره، ازبک و تاجیک، زیر فرمان مستقیم و همه جانبه پاکستان، عربستان سعودی و چند شیخ نشین عرب در زیر چتر حمایت سیاسی-

لورستیک امپریالیزم جنایتگستر امریکا و استعمار پیر انگلیس؛ در طرف دیگر شورای نظار و جمعیت به مثابه ستون فقرات نظامی مخالفت با طالب، در پیوند با بخش های وسیعی از هزاره ها، ازبک ها، بلوچها و چند تن جیره خوار پشتون از قماش سیاف و افرادش، زیر فرمان مستقیم ایران و هند و حمایت بعضاً ناقص و بی رمق روسیه محتضر و چین پراگماتیست. نقش ترکیه در آن زمان با خریدن و اقناع "دوستم" و تحویل تمام نیروهای مسلح ولایات بلخ، جوزجان و فاریاب در ازای ۵۰ میلیون دالر به طالب، در گسترش برق آسای طالب در شمال هندوکش نقش بسزا داشت وضعیتی که در تمام دوران حاکمیت طالب ادامه داشت.

با اشغال افغانستان به وسیله امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء و تلاش پاکستان جهت حصول مجدد قدرتش در افغانستان که منتج به درگیری هائی بین نیروهای طالب به مثابه بازوی اجرائی سیاست های تجاوزگرانه پاکستان و نیروهای شورای نظار که گذشته از برخورداری حامیان قبلی، مانند ایران و هند، اینک امریکا نیز مجادانه به تقویت آنها می پرداخت، دیده می شود که اندک تغییراتی در حامیان و وابستگی ها به وجود می آید.

یعنی عربستان سعودی که در جریان حاکمیت طالب و حتا اوایل تجاوز امریکا بر افغانستان، در خفا به معانقه با طالب مشغول بود، وقتی خواست به آزمندی های منطقه ئی خودش جامه عمل بپوشاند یعنی از یک جانب "بحرین" را با وجود آن که بزرگترین پایگاه نظامی امریکا در آنجاست اشغال کند و از جانب دیگر به بمباران یمن و نجات سواحل شرقی عدن از نفوذ ایران فایق آید به ناگزیر می بایست، سیاستش را در قبال طالب از نو تنظیم نموده، دست از حمایت آنها بر می داشت.

نقطه مقابل آن، ایران که در تمام مدت ناظر اوضاع بود و با تکیه بر نفوذ عمیقی که در درون حزب وحدت و شورای نظار داشت، خود را به نحوی بی نیاز از همکاری با طالب می دانست وقتی متوجه شد که طالب یتیم مانده و قیامش پاکستان هم توانائی چندانی ندارد تا به تنهائی بار حمایت از طالب را بردوش گیرد، فرصت را غنیمت دانسته هم به منظور تحقق سیاست های ستراتیژیک خودش در قبال افغانستان و هم به منظور ضربت زدن به جبهه عربستان سعودی و از بین رفتن ساحه نفوذ آن کشور در شرق سرحدات خودش، آمادگی اش را جهت کمک به طالب ابراز نمود. آنچه در این میان زیاد به نفع ایران تمام شد از یک جانب آزمندی های امپریالیزم احیاء شده روسیه بود که می خواهد به هر قیمتی شده مجدداً در جنوب رود آمو صاحب نفوذ قبلی خود باشد و از جانب دیگر، داعش پروری امریکا و انگلیس بود که ضمن ایجاد خطر برای ایران، پاکستان و حتا هند، به صورت مستقیم تهدیداتی را علیه منافع حیاتی روسیه و چین به وجود آورده بود.

این جاست که دوستان و دشمنان به هم مخلوط شده، هریک مطابق به منافع کنونی شان اتحاد های جدیدی را به وجود می آورند.

عربستان سعودی که دیگر نمی تواند با کارت طالب در افغانستان بازی نماید، زیرا با دارانش از وی می خواهند تا تمام تخمهایش را منبع در سبد داعش بگذارد، جهت یافتن شریک جدید زیاد معطل نمانده با اطلاع از خود فروشی شورای نظار دستان پر از پولش را به جانب، "عبدالله"، "عطاء" و سایر سگان جمعیتی- شورای نظاری دراز کرده، در اولین حرکت آنها را خرید می کند.

ایران که متوجه تشبثات عربستان سعودی بین نیروهای خودش می شود، بیکار نمانده ضمن ایجاد رابطه بین خودش و طالب، دست آنها را در دست روسها نیز می گذارد.

امریکائی ها که در همه حالت خواستار آن اند تا هر چه زودتر محل امنی برای داعش بیابند، ضمن حمایت از پیشروی های عربستان در جذب باند های شورای نظار و جمعیت، و کشتن ملا "اختر منصور"، از طریق "جان کری" اعلام

می دارند که عمر حکومت دوسره دوسال نه بلکه تمام دوره کاری "غنی" را احتواء و در نتیجه باند "عبدالله" را به طرف خود می کشاند.

ایران که نمی خواهد نزد متحدین جدیدش هیچ به حساب بیاید، در یک چال بازی آخوندی آشکار، به مثابه مجازات وزرای شورای نظاری- جمعیتی و در رأس همه رهبر جمعیت اسلامی یعنی "صلاح الدین ربانی" را در پارلمان حین استیضاح با اقلیت تحقیر آمیزی مواجه ساخته، از میدان بیرون می کند.

"غنی" که هیچ فکر نمی کرد ائتلاف جدیدش چنین زیر ضربت قرار گیرد، به ناگزیر به دفاع از نفر "عبدالله" اقدام نموده خود را در تقابل با پارلمان اداره مستعمراتی قرار می دهد. همچنان می کوشد تا هم به خاطر دلجویی در قضیه "ربانی" و هم به منظور تحکیم پیمان بین مزدوران عربستان سعودی، با "عطاء" نرد عشق باخته، تا به زعم خودش گردنکشی های "دوستم" را مهار نماید.

"دوستم" که در دو دام روسیه و ترکیه اسیر است، از جانبی به اشاره روسیه که نباید بیشتر از آن به قلع و قمع طالب بپردازد و می باید تمام تلاشش را جهت سرکوب داعش معطوف دارد و از جانب دیگر حالت انتظاری که ترکیه به وجود آورده و نمی گذارد قیل از این که تعهدات کافی و عملی از غرب جهت حمایت از آن کشور در تقابل با مجموع کردها، امکان فرار و انتقال داعش را از ضربات مرگی که توسط متحدین ایران در سوریه و عراق بدان مواجه اند، فراهم سازد، به ناگزیر در تقابل با "غنی" و مجموع باند منوط به عربستان سعودی من جمله شورای نظار و جمعیت قرار گرفته، فرد آنها را که زمانی به دامن خودش پیوسته و می خواست علیه وی اقداماتی نماید، "دوستمی" مجازات کرد. مجازاتی که گذشته از رسوائی های اداره مستعمراتی می تواند، برای خودش نیز گران تمام شود.

تمام این کش و قوسها، اتحاد های جدیدی را در افغانستان به وجود آورده، که امکان درگیری های مسلحانه بین آنها هیچ بعید نیست. یکی اتحادیست که به دور عربستان سعودی زیر قیادت امپریالیزم جنایتگستر امریکا به وجود آمده شامل "غنی"، "عبدالله"، "عطا"، "گلبدین" و بخشهایی از شورای نظار و جمعیت؛ اتحاد دیگر به دور ایران- به درجات معینی پاکستان برخوردار از حمایت در ظاهر و فعلاً قاطع روسیه و چین و گوشه چشمی هم از جانب هند شامل طالب، تمام طرفداران ایران در وجود شاخه های متعدد حزب وحدت، بخشهایی از شورای نظار و جمعیت و در صورت موضعگیری ترکیه به نفع ائتلاف، "دوستم" نیز با آنها یکجا خواهد شد.

اینجاست که می بینیم قلاده ها عوض شده و زنجیر های آن در دست صاحبان جدیدی قرار گرفته است. این که افغانستان، چطور خواهد توانست این صفگیری های جدید را بدون تقابل خونین پشت سر بگذارد، مسأله ایست که بیشتر از هر چیزی به چگونگی مواضع "ترمپ" تعلق می گیرد. زیرا سگان قلاده به گردن وطنی، به قدر کافی هار بوده، کافیس ارباب آنها را "اورکش" نماید.